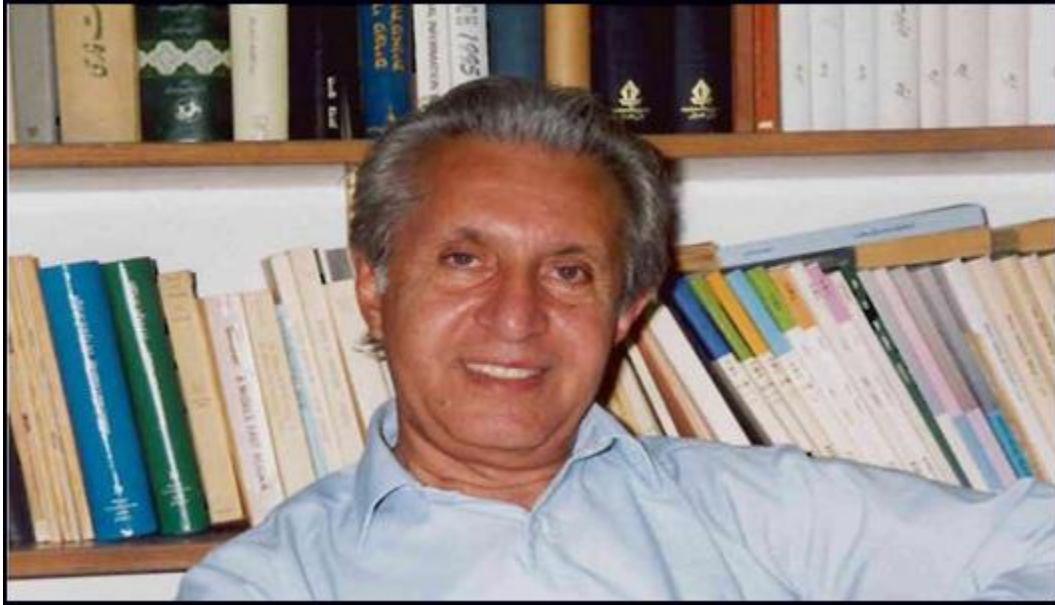


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نتصر در این بخش از کتاب
به شرح اماکن مقدس یهودی
در خاک ایران می پردازد
که شمار آن ها در خارج از خاک
اسرائیل بی نظیر است

گفت و گوی هشتم

آرامگاه استر و مردخای، زیارتگاه و جاذبه گردشگری همدان است



آرامگاه استر و مردخای در همدان که چند بار تعمیرات اساسی در آن شده است

پرسش - پروفیسور نضر در گفت و گوهای پیشین به طور مفصل در شهر تاریخی اصفهان گردش کردیم و با اماکن مقدس یهودی در آن جا آشنا شدیم و اکنون هنگام آن است که از شما درخواست کنیم ما را به شهر همدان و به زیارتگاه استر و مردخای (استر و مرحدی Esther and Mordechai) ببرید که مسلمانان نیز آن جایگاه را مقدس می دانند و یکی از جاذبه های توریستی بزرگ این شهر باستانی ایران محسوب می شود - گرچه شوربختانه در سال ۲۰۱۲ شماری اوباش قصد حمله و ویرانی آن را داشتند، که در این نیت سوء ناکام ماندند، ولی دست کم توانستند واژه "زیارتگاه" را از تابلوی ورودی این مکان مقدس پائین بکشند.

پاسخ - همدان نیز مانند اصفهان، و حتی شاید بیشتر از آن پیشینه تاریخی دارد. قدمت باستانی همدان از آن جا آغاز می شود که پایتخت خاندان مادها بود و در آن هنگام هنگامات نامیده می شد. بعدها یکی از چهار پایتخت سلسله هخامنشی قرار گرفت که سه شهر دیگر شوش و پاسارگاد و بابل نامیده می شدند.

همدان جایگاه دفن دو چهره تاریخی ملت یهود است که یکی استر و دیگری مردخای نامیده می شوند. در میان ۲۴ صحیفه ای که مجموعه کتاب مقدس یهود (عهد عتیق) را تشکیل می دهد، صحیفه ای نیز به نام "تومار استر" وجود دارد که داستان زندگی استر و مردخای را بیان می کند و با جشن یهودی پوریم ارتباط پیدا می کند. استر که نام یهودی او "هداسا" می باشد، از زیبایی خیره کننده ای برخوردار بوده و طبق روایتی که در تومار استر آمده، مورد توجه آخشوروش پادشاه ایران قرار گرفت. گفته می شود که آخشوروش همان خشایارشا هخامنشی بوده است.

در ادامه روایت آمده است که خشایارشا بر همسر نخست خود که وشتی نام داشت خشم می گیرد و استر را به جای وی به شهبانوئی برمی گزیند و او را ملکه ایران می خواند. بدین سان برای نخستین بار در تاریخ باستان ایران، به موجب این روایت، یک دختر یهودی به مقام شهبانوئی می رسد. برخی از پژوهشگران تاریخ ایران بر این باورند که ریشه نام "استر" واژه "استار" یا "استارا" در فرس قدیم است که به مفهوم ستاره می باشد. پسر عموی استر، که برخی به اشتباه تصور می کنند که او عموی استر بوده، مردخای نام داشته که در دربار سلطنتی خشایارشا خدمت می کرده است.

در صحیفه استر آمده است که یک فرد بیگانه به نام هامان که متعلق به یک قوم غیرایرانی و از قبیله "آگایی" یا "آجاجی" که گویا ارتباط با جزایر دریای ارژ در جنوب یونان امروز در دریای مدیترانه دارد و به سرزمین مقدونیه مربوط می شود، در امپراتوری ایران ساکن گردیده و به مقام صدراعظمی دربار ایران رسیده بود. هامان با مردخای یهودی سرستیز و خصومت داشته است، زیرا مردخای با پیروی از باورهای یهودی که بت پرستی را مردود می داند، حاضر نبوده است در برابر صدراعظم بیگانه سر تعظیم فرود آورد. زیرا در دین یهود آمده است که تنها در برابر پروردگار است که می توان سجده کرد.

هامان که ظاهراً حاضر نبوده این "توهین و تحقیر" از جانب یک یهودی را تحمل کند، تصمیم می گیرد با ترفند و نیرنگ از پادشاه حکم بگیرد که باید همه یهودیان امپراتوری ایران کشته و نابود شوند تا اثری از چنین قومی باقی نماند. در آن دوران یهودیان بسیار زیادی در امپراتوری ایران می زیسته اند و در ۱۲۷ ولایت در سراسر این امپراتوری پراکنده بودند. این روایت نشان می دهد که شمار یهودیان در ایران در دوران هخامنشی تاچه حد زیاد بوده است.

مردخای هنگامی که از فرمان پادشاه در مورد قتل عام یهودیان آگاه می شود، به پیش استر رفته و به او می گوید که باید به دیدار پادشاه برود و فاش سازد که خود او نیز یهودی است و فرمانی که نادانسته از جانب پادشاه صادر شده، دستور قتل همه همکیشان و هم قومان او می باشد.

کوتاه زمانی پیش از این وقایع، توطئه ای از جانب دو تن از درباریان برای مسموم کردن پادشاه به هدف قتل او چیده می شود که مردخای از آن آگاهی می یابد و به اطلاع

پادشاه می رساند و بلین سان او را از مرگ نجات می دهد و این خدمت او در کتاب رویدادهای دربار ثبت می گردد و در بایگانی سلطنتی نگاهداری می شود.

پادشاه در شبی که با بی خوابی روبرو شده بود دستور می دهد که کتاب رویدادهای دربار را به حضورش آورند و فداکاری مردخای را در نجات جان خویش به یاد می آورد. در همین موقعیت بود که شهبانو استر به حضور پادشاه می آید و برای او فاش می سازد که خودش و مردخای یهودی هستند و هامان می خواهد همین مردمانی را که به سلطنت ایران وفادار می باشند قتل عام کند.

خشیارشا با شگفتی بسیار از استر می پرسد که چه کسی چنین اجازه ای را به هامان داده است و استر یادآوری می کند که خود پادشاه فریب ترفند و دروغ هامان را خورده و چنین دستوری صادر کرده است. معلوم می شود که هامان همچنین توطئه کرده بود که پادشاه ایران را به قتل برساند.

در ادامه ماجرا، پادشاه دستور قتل عام یهودیان را باطل می کند و همان چوبه داری نیز که هامان برای حلق آویز کردن مردخای تدارک دیده بود، برای اعدام خود وی به کار می رود و پیکر هامان از آن آویخته می شود. پسران هامان نیز که شمار آنان ده تن بود حلق آویز می گردند و بلین سان ملت یهود از فاجعه ای هولناک و یک هولوکاست تکان دهنده نجات می یابد.

به پاس این نجات و رهائی از کشتار همگانی، یهودیان هر سال عید پوریم را جشن می گیرند و در هر نقطه جهان که به سر می برند به شادمانی می پردازند. عید پوریم در چهاردهم و پانزدهم ماه عبری آدار جشن گرفته می شود که کم و بیش هم زمان با نوروز ایرانیان می باشد.

بر حسب این روایت یهودی، استر شهبانوی ایران و مردخای پسر عموی او که موجب نجات و رهائی قوم یهود شدند، مقدس هستند و ملت یهود خود را ملیون آنان می داند.

در آن دوران، همدان یکی از پایتخت های پادشاهان هخامنشی بوده که به علت هوای خنک آن، کاخ سلطنتی بیلاقی در آن جا قرار داشته است و استر و مردخای در همین شهر چشم به روی جهان می بندند و هم آن جا به خاک سپرده می شوند.

در کتاب "اردشیر نامه" که یکی از آثار منظوم شاهین شاعر یهودی است و در تاریخ ۱۳۳۳ میلادی سروده شده و این ایام مصادف با دوران پادشاهی سلطان سعید بهادر آخرین سلطان ایلخانی می شود، چنین روایت شده که استر و مردخای در آن هنگام در پایتخت دیگر هخامنشیان به نام شوش زندگی می کرده اند و به آنان سروش الهی می رسد که باید به شهر همدان جایگاه کاخ بیلاقی پادشاه نقل مکان کنند. بنا به این روایت شاهین، که بزرگترین شاعر یهودی ایران محسوب می شود، رفتن استر و مردخای از شوش به همدان خواست الهی بوده است.

در ادامه روایت آمده است که استر و مردخای وارد کنیسانی در همدان می شوند و از متولی آن که نامش پرماس بوده اجازه می خواهند شب را در آن جا بیتوته کنند و در همانجا فوت می کنند و به خاک سپرده می شوند. مزار استر و مردخای در همدان چندین بار بازسازی شده و زیارتگاه مهم یهودیان محسوب می شود. روی قبرها بقعه ای به ارتفاع بیست متر بنا شده است.

البته در آن دوران ها عکاسی وجود نداشته، ولی سیاحان خارجی با قلم خود اماکن مقدس و مهم و چهره مردمان و طرز لباس پوشیدن آنان را نقاشی می کرده اند و تصاویری از قبر استر و مردخای از دویست سیصد سال پیش (و شاید هم چهارصد سال پیش) وجود دارد که کم و بیش شبیه همان بقعه ای است که امروز به روی این آرامگاه دیده می شود. در آن دوران سیاحان زیادی از ایران دیدن می کرده اند.

گفتیم که آرامگاه استر و مردخای در زیر این بقعه قرار دارد ولی پیکر آن ها در داخل ضریح بلندی که در داخل تالار دیده می شود نهاده نشده است، بلکه در سردابه ای است که چندین متر زیر این دو سنگ قبر مرتفع حفر گردیده و پیکرها در این سردابه دفن شده است. این شیوه تدفین مردگان مقدس، بسیار شبیه تدفین اجداد قوم یهود (ابراهیم، اسحق و یعقوب) در شهر حبرون (الخلیل) است که تا امروز زیارتگاه یهودیان و محل نماز مسلمانان می باشد. در حبرون نیز ضریح آرامگاه ها مرتفع و هم کف زمین است، ولی قبر واقعی در سردابه ای در زیر زمین قرار دارد.

بین دو ضریح استر و مردخای شصت سانتیمتر فاصله وجود دارد و روی دیوارها آیاتی به زبان و خط عبری نگاشته شده که اکثر آن ها برگرفته از تومار استر در کتاب مقدس است.

نخستین کسی که درباره آرامگاه استر و مردخای مطلبی نگاشته یک سیاح یهودی از شهر تودلا در اسپانیاست که ری بنیامین متودلا نامیده می شود که حدود سال ۱۱۶۷ میلادی مصادف با دوران سلجوقیان از همدان دیدن کرده و به تفصیل در مورد این زیارتگاه به بحث و توصیف می پردازد.

دلم می خواهد که در این فرصت و به عنوان یک فرد دانشگاهی موضوعی را توضیح دهم و آن فرضیه

یک ایران شناس و باستان شناس یهودی آلمانی به نام یرنست هرتسفلد -1879 Ernst Herzfeld (1948) می باشد که سالیان دراز در ایران حفاری های باستان شناسی انجام داده است. او در کتاب معروف خود پیرامون باستان شناسی ایران این احتمال را مطرح می سازد که فردی که در آن مکان به خاک سپرده شده شوشندخت شهبانوی یهودی است که همسر یزدگرد اول بوده که بین سال های ۳۹۹ تا ۴۲۱ میلادی سلطنت می کرده است.

البته هرتسفلد نتوانست این تئوری خود را ثابت کند، چون در مکان نامبرده هیچ حفاری صورت نگرفته است زیرا چنین کاری به علت تقدس مکان ممنوع است و طبق باور دینی یهودیان، نمی توان به مقابر دست زد و از مردگان هتک احترام کرد.

در هر حال، ما دو شهبانوی یهودی در ایران داریم که نخستین آن استر همسر اخشوروش (خشایارشاه) و دومین آن شوشندخت بوده است.

علی رغم گفته های هرتسفلد، ما به باور یهودیان باز می گردیم که طبق آن، مکان مقدس همدان آرامگاه استر و مردخای است و با همین عنوان نیز زیارتگاه یهودیان محسوب می شود و مسلمانان نیز تقدس آن را می پذیرند.

نکته دیگری را نیز در رابطه با این آرامگاه باید عنوان کنیم و آن اختلاف نظر بین پژوهشگران و تاریخ نویسان در مورد زمان وقوع این حوادث و مسیر رویدادها می باشد. برخی داستان استر را هم زمان با دوران خشایارشاه می دانند و برخی آن را زودتر ارزیابی می کنند و برخی دیگر می گویند که پس از دوران خشایارشاه به وقوع پیوسته است. سخن ما در این باره ناتمام می ماند که در گفت و گوی بعدی به ادامه آن می پردازیم.